

تقابل سپاهی - روحانی

محتمل تر از حمله نظامی است

زمینه ها و نشانه های رشد رویارویی در درون حاکمیت از یکسو و حاکمیت و مردم از سوی دیگر، آشکارتر از آنست که نتوان آن را دید و در هر نوع محاسبه ای پیرامون رویدادهای آینده ایران آن را ننگنجانند. حتی اخبار مربوط به جنجال فعالیت اتمی در ایران و خطر حمله نظامی امریکا به ایران نیز نباید و نمی تواند ما را از آنچه در داخل ایران و در درون حاکمیت می گذرد منفک کند. در واقع، هر نوع حادثه و دخالت خارجی نیز به نوعی در ارتباط است با آنچه در داخل ایران و در حاکمیت می گذرد.

سیاست جنگی - اتمی حاکمیتی که ادعای یکدست بودن دارد و خود را آلترناتیو دولت اصلاحات خاتمی می داند، بموجب شواهد بسیاری شکست خورده است. این که تئوریسین های این سیاست همچنان به راه خود ادامه داده و با استقبال از حادثه جوئی های خونین بر نظرات خود پا فشاری کنند، از بار این ارزیابی نمی کاهد. مقاومت رو به رشد در برابر سیاست جنگی و چنگ و دندان که طرفداران این سیاست با تتگ تر کردن حلقه سانسور و فیلترینگ و تدارک بگیر و ببند جدید نشان می دهند، خود نشان دهنده بن بست و بیم از مقاومت روبرو به رشد در برابر این سیاست است. هر اندازه چشم انداز شکست این سیاست نزدیک تر شود، شکاف در درون جبهه ای که با این سیاست تشکیل شده آشکارتر شده و در صورت وقوع حوادث غافلگیر کننده، این شکاف جنبه های رویارویی نیز به خود خواهد گرفت. طلایه های این شکافت را حتی امروز بصورت بروز برخی اختلافات میان دولت و مجلس شاهدیم. این رویارویی به احتمال بسیار زیاد، در مرحله قطعی تر میان نیروهای نظامی و روحانیون خواهد بود، گرچه کوشش می شود به قیمت یورش به سازمان و احزاب و شخصیت های سیاسی مخالف سیاست جنگی، آن را با تاخیر روبرو کرده و از ادامه سیاست جنگی به این ترتیب دفاع کرده و مانع متلاشی شدن جبهه حاکم شوند. حتی همه تدابیری که در جریان برکناری ها و برگماری های نمایندگان ولی فقیه در سپاه و نیروهای نظامی و جابجائی های چند ماه پیش فرماندهان نظامی در سپاه و ارتش و بسیج صورت گرفت نخواهد توانست مانع این رویارویی شود. چرا که آوار شکست سیاست جنگی و مقابله با اصلاحات خواه ناخواه فرار از این جبهه را نیز موجب خواهد شد.

این که در بسیاری از استان های کشور فرماندهان نظامی استاندار شده اند و این که شورای های نظامی در سه منطقه جنوب و شرق و غرب کشور اداره امور را بدست گرفته و یا در تدارک بدست گرفتن هستند و این که فرماندهان نظامی و سپاهی در هفته های اخیر پیاپی سخنرانی می کنند و در صحنه حضوری یابند، شاید در نگاه اول حکایت از تدبیر در برابر جنگ داخلی و حمله نظامی به ایران باشد و همینگونه هم تبلیغ شود، اما، حتی اگر بخشی از این ادعا واقعیت نیز باشد، عملا امور کشور بصورت بسیار جدی در اختیار نظامی ها قرار گرفته و دست های پنهانی در سوق دادن ایران به سمت یک حکومت کاملا نظامی نقش دارند. نه تنها تهدیدهای امریکا، بلکه حمله و ضربه نظامی احتمالی امریکا به ایران هم می تواند همین جنبه از حکومت را بیشتر تقویت کند و این یکی از پیش بینی ها و احتمالاتی است که امریکا بعنوان یک آلترناتیو روی آن حساب می کند. سخنگوی آخرین یک سیاست جنگی، نظامی ها هستند و مذاکره کننده نیز آنها. بخشی از بازار گرمی های روزهای اخیر احمدی نژاد درباره موافقت با راه یافتن زنان به مسابقات ورزشی و یا اظهارات فرماندهان انتظامی در باره بی تقصیر بودن در عملیات مقابله با کم حجابی و یا آخرین اظهار نظر

فرمانده کل سپاه پاسداران در سخنرانی همایش "ماهشهر" و هشدار به بسیجی ها که کاری به کار مردم نداشته باشند و همچنین پوشش خبری پرچمال این اخبار در برخی مطبوعات و تلویزیون دولتی که سرداران آن ها را اداره می کنند و یا خط دهنده آنها هستند همگی می تواند بخش هائی از یک سناریوی بزرگتر باشد. سناریوی جمع کردن بساط روحانیت در میان هلهله شادی و پشتیبانی مردم و برقراری حکومت یکپارچه نظامی. صد البته که در این کار، آن روحانیون و نیروهای مذهبی در ابتدای کار دم تیغ خواهند رفت که هنوز با پرچم خط امام و پایمردی در راه آرمان های انقلاب و گفته های آیت الله خمینی در حاشیه میدان حکومتی حضور دارند. در گام بعدی، این حلقه برای روحانیون خودی تنگ خواهد شد و در پایان سریع این مرحله، روحانیون قشری و مرتجع بعنوان مراجع مذهبی در تنگنای یک حکومت یکدست نظامی به دنباله روهای کم فروغ و کم جلوه نظام سپاهی حاکم تبدیل خواهند شد. همین سرنوشت در انتظار نیروهای نظامی و سپاهی نیز می تواند باشد. یعنی گام به گام تصفیه در میان این فرماندهان و رسیدن به آن شورای فرماندهی که توان سرکوب داخلی و بستن همه روزه های خبری و آگاهی مردم و نشستن پای میز مذاکره را دارد. امریکا با چنین نظامی هیچ اختلافی نخواهد داشت و حتی حامی آن نیز خواهد بود، حتی برای ساختن سلاح اتمی به آن کمک هم خواهد کرد تا چماقی شود بالای سر پاکستان!

در کنار احتمالات مختلفی که برای آینده ایران پیش بینی می شود و نتایجی که از حمله و ضربه نظامی امریکا به ایران و یا تهدید و محاصره اقتصادی ایران گرفته می شود، آلترناتیو یاد شده در بالا را بسیار جدی باید تلقی کرد. بازی اخیری که احمدی نژاد با ماجرای حضور زنان در میادین ورزشی آغاز کرد و پوشش خبری وسیع مخالفت روحانیون قم با آن، که در واقع "ستاد راهبردی" سپاه طرح آن را به احمدی نژاد دیکته کرد، چرا نباید بخشی از سناریوی بالا باشد؟

این که او با این موضع گیری ها بکوشد حمایت مردم را جلب کند تا برکناری احتمالی او با واکنش مردم همراه باشد نیز، چرا نباید در چارچوب همین سناریو باشد؟ مصاحبه سردار طلائی و اعلام اینکه نیروی انتظامی هیچ تقصیری در مقابله با بدحجابی ندارد و ما فقط تذکر می دهیم و بقیه اش با قوه قضائیه (به ساختار تماما روحانی این قوه توجه کنید!) است و یا سخنان رحیم صفوی و توصیه اش به بسیج که به کار مردم کاری نداشته باشید، بی ریشه و بی ارتباط با هم اند؟ ساده لوحی است قبول چنین ادعائی.